

(آغوش مادرانه)

مریم تا آتش سوزان کلیسا را دید، ترسید، عیسی را محکم‌تر در بغل گرفت و سراسیمه دور شد، تا خودش را به بیمارستان برساند، عیسی شش ماهه نزدیک بیمارستان المعمدانی چشم‌هایش را باز کرد و به رویش لبخند زد، و دوباره چشم‌هایش را بست. دختر امدادگر اشک چشمانش را پاک کرد و دست‌های کوچکش را بوسید و گفت: آرام بخواب و خیال کن که در آغوش مادرت خوابیده‌ای اینجا دیگر امن است.

سمیرا اسمعیل زاده سعیدلو